

شعرهای درختی

تصویرگر: سولماز جوشقانی

درخت آلبالو

افسانه شعبان نژاد

بابا جونم تو خونه مون
کاشته درخت آلبالو
تازه به دنیا اومده
شبيه خواهر کوچولو

دلم می خواد بزرگ بشه
آب می ریزم کنار پاش
تا که یه روز درست کنم
گوشواره با آلبالوهاش

درخت من

جعفر ابراهیمی

یک بالش رنگی دارم
که روش درخت و گل داره
گاهی روی درخت من
نم نم بارون می باره

شب که می شه خواب می بینم
از این درخت بالا می رم
به آسمون دست می زنم
ستاره ها رو می گیرم

صبح که می شه یواش یواش
از شاخه هاش پایین می آم
چند تا ستاره چسبیده
رو دست و صورت و پاهام

درخت و کلاغ

طیبه شامانی

درخت کوچی ما
درختی قد بلنده
کلاغی روی شاخه‌ش
قار و قار و قار می‌خنده

می‌گم به چی می‌خندی
به من که رو زمینم؟
اگر پیام اون بالا
سر دمتو می‌چینم

درخت شاد

شراره وظیفه‌شناس

تو کوچی موم یک درخت
شاخه داره هزار تا
خیلی بلنده قدش
رفته تا آسمونا

دیروز که باد، تابش داد
درخته شد شاد شاد
خودم دیدم با برگاش
ابرا رو قلقلک داد